



موازات عقل و وحی در قرآن

از منظرهای گوناگون به «عقل در قرآن» پرداخته شده است و حضور پررنگ عقل در قرآن اهمیت آن را در اسلام نشان می‌دهد. نگاه به این موضوع از منظر ارتباطی که با حیات معاصر دارد می‌تواند راهگشا باشد.

از منظرهای گوناگون به «عقل در قرآن» پرداخته شده است و حضور پررنگ عقل در قرآن اهمیت آن را در اسلام نشان می‌دهد. نگاه به این موضوع از منظر ارتباطی که با حیات معاصر دارد می‌تواند راهگشا باشد.

واژه «عقل» 49 بار در قرآن آمده است، همچنین واژه‌هایی که به لحاظ معنایی نزدیک هستند از جمله واژه علم 780، تفکر 18، تدبیر 14، نهی 2 بار در کتاب الله آمده‌اند. عقل از نظر زبان‌شناختی و نیز از نظر تفسیری می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد. بی‌شک از نظر از منظر حیات معاصر همراهی این دو مهم خواهد بود زیرا جریانی در جهان اسلام، هرچند اقلیت عقل را واقعی نمی‌نهد از این رو چهره‌ای غیر عقلانی از اسلام ارائه می‌کند.

معنای لغوی عقل

عقل معنایی اسمی و معنایی مصدری دارد، در معنای اسمی مرحوم علامه طباطبائی «قوه» نامیدن عقل را تعبیری مسامحی دانسته و عقل را همان «نفس مدرک» انسان می‌شمارد. از سویی دیگر ذیل معنای مصدری علامه در تفسیر المیزان می‌گویند: عقل مصدری به معنای ادراک شی و فهم کامل آن است. باید توجه شود که معنای مصدری در فارسی وجود ندارد و برای کاربرد فعلی عقل در قرآن این عبارات آمده است: فهمیدن، اندیشیدن، فکر کردن، تعقل کردن، خرد را به کار بستن، عاقلانه فکر کردن، دریافتن به عقل، به خرد یافتن، دانستن، و دانستن به خرد.

در کتاب‌های لغت، این واژه به معانی مختلفی به کار رفته است و این واژه مشترک لفظی است. فارابی، معلم‌ثانی در رساله عقل 72 معنا برای آن قائل شده است. «جوهری» معنای اصلی «عقل» در لغت عرب را منع، نهی، امساک، حبس و جلوگیری آورده و خلیل نحوی آن را نقیض چهل عنوان کرده است. همچنین راغب معتقد است که عقل به قوه‌ای که آماده قبول علم است اطلاق می‌شود. جرجانی نیز بر آن است که عقل صاحب خود را از انحراف از راه راست منع می‌کند.

از سویی دیگر معنای اصلی این کلمه «حبس کردن» و «در بند آوردن» است، در مورد بستن پاهای شتر و یا هنگامی که دارویی شکم انسان را بند آورد، از این واژه استفاده شده است. همچنین به پابند شتر «عقال» می‌گویند و قلعه و پناهگاه را نیز «معقل» می‌نامند.

با توجه به این معنا از عقل که در خود نوعی حبس در بردارد، برخی بر آنند که بهترین ترجمه به فارسی عقل که در قرآن به صورت مصدری آمده است، دریافتن است و تعبیری مانند «اندیشیدن» و «تفکر کردن» نمی‌توانند معادلی مناسب برای این واژه باشند، زیرا تفکر و اندیشه فرایندی است که منجر به فهم می‌شود، اما خود فهم نیست. این فهم می‌تواند مبتنی بر تفکر باشد، اما گاهی هم بلافاصله و بدون اندیشیدن حاصل می‌شود. همچنین تعقل کردن نیز هرچند در عربی، گاه مرادف «عقل» است، ولی در فارسی به معنای اندیشیدن به کار می‌رود و از این‌رو، نمی‌توان در فارسی آن را به عنوان معادل «عقل» به کار برد. چنانچه گفته شد عقل در قرآن کریم به معنای فعلی آمده و مراد دریافتن حقیقت است هرچند نظر واحدی در خصوص عقل در جهان اسلام وجود ندارد، برخی از مسلمانان هیچ جایی برای عقل انسان ندانسته‌اند و برخی جایگاه مهمی برای آن قائل بوده‌اند.

موازات عقل و وحی در قرآن

عقل در قرآن در معنای فعلی آمده است که چنانچه آمد به معنای فهم تام و درک صحیح است، حال سوال این‌جاست که این عقل محصول چیست و از چه چیزی منبعث می‌شود. به نظر می‌رسد که فعل عقل در قرآن مساوق یافتن هدایت دانسته شده است که در کنار سمع می‌تواند مانع از سقوط به جهنم شود.

«با تدبیر در آیاتی که مشتقات عقل و الفاظ مترادف و متقارب عقل در آن‌ها به کار رفته است، به نظر می‌رسد عقل از دیدگاه قرآن، موهبتی الهی است که انسان از طریق آن، علم نافع و هدایت‌گر به سوی عمل صالح را کسب می‌نماید و علم و معرفت مذکور موجب راه‌یابی و هدایت او به دین و آیین حق می‌گردد. به تلازم بین عقل و هدایت در آیات متعدد قرآن اشاره شده است» (سید عبدالحمید ضیایی، واژه‌شناسی عقل و اقسام آن).

عقل در آیاتی از قرآن در خصوص اشاره به آیات و نشانه‌های الهی اعم از تکوینی و تشریعی است. به این معنا که اشاره به نعمات و آیات الهی دستمایه‌ای برای تعقل و پی بردن به جایگاه خداوند است. آیات 73 بقره، 164 بقره، 4 رعد، 12 نحل، 67 نحل، 35 عنکبوت، 24 روم، 28 روح، 25 جاثیه، 17 حدید از این دست هستند. برای مثال در آیه 32 انعام می‌خوانیم: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و قطعا سرای

بازپسین برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند بهتر است آیا نمی‌اندیشید». در این آیات انسان‌ها به تعقل دعوت شده‌اند تا حقیقتی را که خداوند در پی آن است را دریابند این حقیقت همان حقیقتی است که انسان‌ها به وسیله آن نجات یافته و رستگار می‌شوند.

همسویی عقل و وحی را در امر دین می‌توان در آیه 10 سوره ملک به وضوح دید. در این آیه ما شاهد گفت‌گوی اصحاب سعیر با نگهبانان دوزخ این مساله را می‌بینیم: «تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْعَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ. نَزِيلٌ يُقَالُ بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ: گویند چرا هشدار دهنده‌ای به سوی ما آمد و [الی] تکذیب کردیم و گفتیم خدا چیزی فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید* وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ: و گویند اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان] دوزخیان نبودیم». (ملک 8-10)

در تفسیر این آیه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان نوشته است: «چون بیشتر مردم تنها از نیروی سمع استفاده می‌کنند، نه از نیروی عقل، چون از درک دقائق امور و ادراک حقیقت آن و راه‌یابی به مصالح و مفاسد واقعی عاجزند، و از نیروی عقل تنها خواص از مردم بهره‌مند می‌شوند، لذا در آیه اول کلمه "نسمع" را و سپس "نعقل" را آورد... معنی این آیه دلالت دارد بر اینکه منظور از نشنیدن و تعقل نکردن همان اطاعت نکردن و نپذیرفتن بعد از شنیدن و فهمیدن است، و خدای تعالی همین جمله «اگر می‌شنیدیم و می‌فهمیدیم» را اعتراف به گناه خواند، و معلوم است که وقتی عملی گناه می‌شود که فاعلش به بدی آن عمل علم داشته باشد، یا علم سمعی یعنی دلیل نقلی، و یا علم عقلی یعنی دلیل عقلی».

عقل و وحی در جهان معاصر

در جهان معاصر عقل از جایگاه رفیعی برخوردار است و دوران تاریخی «عصر خرد» سرآغاز جهان امروز ماست، چنانچه آمد عقل جایگاه مهمی در قرآن دارد اما این جایگاه در نسبت با حقیقت قرآنی قرار داد به این معنا که عقل به صورت آزاد از امیال به اندیشه بپردازد و امکان دارد عقل در امیال باشد و نتیجه اشتباهی عقلانی است.

«عقل» در قرآن، به معنای فهمی است که از حاق فطرت ناشی شده، پرده ظواهر را دریده و به حقیقت باطنی دست یافته است. برای رسیدن به چنین فهمی، صرف پرورش ذهن کفایت نمی‌کند، بلکه آنچه مهم می‌باشد، پرورش روح است و این از طریق رفتار به دست می‌آید. بنابراین، برای بهره‌مندی از «عقل» - به مفهوم قرآنی آن - هم باید تمرین علمی داشت و هم تمرین عملی، هم باید به کسب علوم و معارف پرداخت و هم با گرایش‌های نفسانی مبارزه کرد و در مسیر تقوا کوشید». (عقل در قرآن، محمدعلی مبینی)

از این رو عقل و وحی جهان معاصر هنوز موازی هستند، اما باید در نظر گرفته هر عقلی نمی‌تواند سر به آستان حقیقت بسپارد زیرا عقل باید در موازات فطرت قرار گیرد و این نیازمند آن است که آینه فطرت از زنگار امیال پاک گردد. نفی عقل از سوی برخی از جریان‌ها نظیر داعش آغازگر تباهی در امر دین و ارائه چهره‌ای نادرست از اسلامی ناب محمدی است، اسلامی که با تکیه بر عقل، قرآن و اسلام را در وجهی علمی و اجتماعی در نظر می‌گیرد.

میثم قهوه‌چیان